

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۲۵/۱۱۲ رده بندی کنگره: ج ۵۲۳/۲

بررسی جرم شناختی ترس از جرم در بین زنان کرمانشاه

محسن قنبری^۱

سرگرد انتظامی و رییس کلانتری

زینب صحراگرد

مدرس دانشگاه های علمی کاربردی کرمانشاه و پلیس افتخاری

زهرا صحراگرد

چکیده

پژوهش حاضر در پی آن است تا ترس زنان کرمانشاه را از دیدگاه جامعه شناختی بررسی کرده و عوامل تاثیر گذار و همچنین پیامدهای آن را به بحث بنشیند. تحقیق حاضر با روش کیفی و ابزار پرسشنامه صورت گرفت. که بعد از بررسی نظریه های تبیین گر و ارائه فرضیه و برگزاری جلسات متمرکز گروهی با زنان در مناطق مختلف شهر کرمانشاه، پرسشنامه ای تهیه شد که شامل جامعه آماری زنان ۵۰-۱۸ ساله ساکن شهر کرمانشاه است، که از میان آنها نمونه ای در دسترس به حجم ۲۰۰ نفر انتخاب شد. ابزار پژوهش در این تحقیق بصورت پرسشنامه و فیش برداری است. همچنین پرسشنامه، محقق ساز بود که اعتبار و روایی آن توسط چند نفر از کارشناسان ارشد جرم شناسی مورد تایید قرار گرفته است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت میدانی بوده که با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. و مراحل انجام این پژوهش به ترتیب شامل: تهیه پرسشنامه، تنظیم سؤالات مصاحبه، فیش برداری و جمع آوری اطلاعات، تنظیم و ترتیب فیش ها، تجزیه و تحلیل مطالب و نگارش نهایی می باشد. سؤالات این پژوهش در راستای مشخص نمودن عوامل اصلی ترس از جرم، رابطه بین سن و ترس از جرم و ویژگیهای محیطی و محل زندگی زنان، درآمد و رابطه آنها با ترس از جرم است.

واژگان کلیدی: جرم شناختی، ترس از جرم، زنان، کرمانشاه

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: کلیات

ترس و امنیت می تواند یک احساس باشد ، اما ترس از جرم چیزی فراتر از یک احساس است و بصورت یک واقعیت بر زندگی افراد از لحاظ سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و ... می تواند تأثیرگذار باشد . امروزه مطالعه ترس از جرم و عوامل مرتبط با آن به علت تأثیرات منفی ای که بر زندگی روزمره افراد و کل جامعه دارد ، موضوع بسیار مهمی برای انجام پژوهش های دانشگاهی است. چرا که مطالعات در حوزه جرم شناسی ثابت کرده اند، ترس از جرم می تواند باعث ایجاد محدودیت در مسافرت های درون شهری و برون شهری مردم، ایجاد فشار برای انجام تعهداتی که پذیرفته اند و سخت تر کردن اموری گردد که افراد برای خود و دیگران میزانی از امنیت را جهت پرداختن به آنها لازم می دانند. (احمدی ، عربی ، حکیمی نیا ، ۱۳۹۲ : ۶) همچنین ترس میتواند احساس مثبت به جامعه را خدشه دار کند و باعث بدنام کردن افراد از جمله فقرا یا افرادی که با هنجارهای جامعه فاصله دارند، شود. همچنین سطوح بالاتر ترس باعث از بین رفتن اعتقاد عمومی به توانایی پلیس در مهار و مدیریت جرائم شده و همچنین می تواند صدمات روانی زیان بار و هزینه های هنگفتی برای افراد و جامعه ایجاد نماید. (کلارک ۲۰۰۶ : ۱ و نیکلسون ، ۲۰۱۰ : ۲) ترس از جرم در ارتباط با تجربه واقعی و مورد انتظار از وقوع جرم ، به دو نوع کلی ترس واقعی و ترس پیش بینی شده تقسیم بندی می شود . ترس واقعی احساسی است که فرد از تجربه مستقیم قربانی شدن در برابر جرایم تجربه می کند . مانند وقتی که مورد سرقت و یا آزار و اذیت قرار می گیرد . در مقابل ترس پیش بینی شده ، احساسی است که افراد از تصور وقوع عمل مجرمانه یا آسیبی جانی و مالی تجربه می نماید . (عربی ، ۱۳۹۰ : ۳) امروزه ترس از جرم در میان زنان به یک نگرانی کلی و فراگیر در همه جوامع تبدیل شده و موجب شده اکثر کشورها به ریشه یابی و تحلیل مسئله و ابعاد مختلف آن بپردازد. این

احساس در بین همه گروه‌های اجتماعی وجود دارد ولی پیامدها و آسیب‌های ترس از جرائم برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست. برخی از گروه‌های اجتماعی، به ویژه زنان، بنا به برخی ویژگی‌ها و به دلیل احساسی بودن و احساسی عمل کردن، بسیار محتاطانه‌تر از مردان عمل می‌کنند و دلیل دیگر، در معرض تعرض جنسی و مزاحمت قرار داشتن زنان در بیشتر جوامع است. بنابراین در چنین مواردی، زنان تلاش می‌کنند به شیوه‌های گوناگون مانند کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و کاهش حضور در مکانهای خاص و در زمانهای معین بر این احساس غلبه کنند. در نتیجه با شناسایی بیشتر این عوامل، جهت مدیریت امنیت اجتماعی و پیشنهادات راهبردی با هدف کاهش ترس از جرم در بین زنان، می‌توانیم بطور قابل توجهی در این زمینه مؤثر باشیم. بنابراین در این پژوهش سعی شده عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان، (به‌خصوص در میان زنان کرمانشاه) را شناسایی، و این عوامل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بند اول: عوامل مؤثر در ترس از جرم

عوامل مؤثر در ترس از جرم در دو قسمت رویکردهای نظری و عوامل فردی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکردهای نظری که خود شامل موارد زیر می‌شود:

۱. عوامل ساختاری یا کالبدی: نظریه‌های مهم در زمینه‌ی عوامل ساختاری یا کالبدی را می‌توان در چند مورد زیر بررسی کرد:

ترس از جرم در بین همه گروه‌های اجتماعی وجود دارد، ولی پیامدها و آسیب‌های ترس از جرائم برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست و برخی از گروه‌های اجتماعی به ویژه زنان، بنا به برخی ویژگی‌های روحی، روانشناختی، فیزیولوژی، مشاهدات و تجارب

خود در زندگی بیشتر دچار ترس از جرم می‌شوند. (عبداللهی، یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۵۵)
 (مثلاً گفته می‌شود که زنان توان جسمانی کمتری در دفاع از خود دارند. دلیل دیگر برای ترس بیشتر زنان از جرم ناشی از احساسی بودن و احساسی عمل کردن زنان است. زنان تحت تاثیر این حالت، گرایش زیادی برای به یاد آوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت‌های زندگی دارند. بنابراین زنان در چنین حالتی بسیار محتاطانه تر از مردان عمل می‌کنند. (همان). به طوری که اگر زنی در زندگی خود بطور مستقیم مورد بزه قرار گرفته باشد یا اینکه این مورد را در دیگران مشاهده کرده باشد، ترس ناشی از این موقعیت در وی بوجود می‌آید و این حس همواره در زندگی همراه او می‌باشد، بطوریکه باعث می‌شود او همیشه رفتارهای توأم با احتیاط داشته باشد. بر این اساس، فرض اصلی رویکرد جامعه پذیری جنسیتی این است که احساس ترس و خطر زنان در عرصه های اجتماعی در محیط های خاص جامعه پذیری و زندگی اجتماعی آنان ریشه دارد. (قاضی نژاد، شاکری، ۱۳۹۱: ۱۸۸) بنابراین طبق این نظریه آسیب پذیر بودن زنان در مقابل برخی عناصر اجتماعی و در معرض خطر قرار گرفتن بیشتر زنان در جامعه، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. دیدگاه محیطی: تاکید و تمرکز محققان بر عنصر جغرافیایی جرم، نقش مهمی در رویکرد اجتماعی جرم داشته است. این دریافت، اثبات مجددی برای مضمون سنتی اکولوژی (مکتب شیکاگو) است. اما این موضوع هم چنین نمودی از تأکید معاصر بر جامعه و فرهنگ و شیوه های درک هویت است. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۷) ارتباطی بین دامنه ی تأثیر محیط اطراف و جرم و ترس وجود دارد. چه آن محیط خیابان باشد یا محیط همسایگی یا فضاهایی که کمتر قابل درک است. در واقع پنداشت جرم به برداشت یا پنداشت شهروندان در خصوص وضعیت جرایم در شهر یا محل سکونتشان ارتباط پیدا می

کند. (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۰) این نظریه بر این اصل مبتنی است که تفاوت میزان جرایم و ترس از جرایم در محله‌ها را، می‌توان با میزان نظارت همسایگی تعیین کرد. شاو و مک‌کی (۱۹۶۹) از اولین جرم‌شناسانی بودند که میان میزان جرایم و ویژگی‌های محیطی و بوم‌شناختی ارتباط قائل شده‌اند. اساس این نظریه این است که ساکنان محله‌هایی که نشانه‌های بی‌نظمی بیشتری در محیط مستقیم خویش ادراک می‌کنند، میزان ترس از جرم بیشتری دارند. (به نقل از نیازی و همکاران، اسنل، ۲۰۰۷: ۵۰۰) این نشانه‌های بی‌نظمی ممکن است اجتماعی (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری) و محیطی مانند (کثیفی، نقاشی‌های دیواری، قمارخانه‌های مخروبه و رها شده) باشد. همچنین در برخی از تحقیقات این استدلال وجود دارد که برخی فضاهای شهری به گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌آورند. عدم وجود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی‌پناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌روها در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند. (علیخواه، ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۵) مورد دیگری که در این نظریه می‌تواند قابل بررسی باشد، کاربری‌های زمین می‌باشد. کاربری‌های متنوع از جمله اداری، تجاری، تفریحی و ... نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل مرتبط با دیدگاه محیطی باشد که با توجه به کاربری آن می‌تواند باعث افزایش ترس از جرم باشند.

بند دوم: دیدگاه روابط ارگانیکی و مکانیکی

از نظر دورکیم جوامع به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول جوامع اولیه یا جوامع مکانیکی هستند که انسجام درونی ناشی از قدرت و وجدان جمعی، از ویژگی‌های بارز آن می‌باشد. یعنی وجدان جمعی روی هم‌رفته یکپارچه است و سرزنش جمعی یا اخطار و تقبیح

مردم نقشی قوی در انسجام جامعه دارد. (عبداللهی، یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۵۶) در این

جوامع، ارزش‌ها یکپارچه است و وظیفه حقوق نیز حفظ این ارزش واحد است. با توجه به

اینکه همه در این ارزش واحد سهیم هستند، لذا افکار عمومی در مقابل انحراف و جرم پاسخ می‌دهد. در جوامع ارگانیکی ارزشها متکثر و کار حقوق، برقراری تعادل میان ارزش‌هاست و روابط چهره به چهره خیلی کم است. همبستگی بر مبنای مشابَهت افراد نیست، بلکه بر اساس معیار "مکمل یکدیگر بودن" است. (نجفی ابرندآبدی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). با توجه به توضیحات فوق می‌توان نتیجه گرفت که ترس از جرم به ظاهر در جوامع مکانیکی کمتر می‌باشد و افراد احساس امنیت بیشتری نسبت به جوامع ارگانیکی دارند. زیرا در جامعه مکانیکی ارتباط‌ها بیشتر، چهره به چهره، وسیعتر و در عین حال از صمیمیت بیشتری برخوردار است. و افراد نسبت به هم تعهد و تعلق بیشتری دارند. مثلاً در روستاها اعضای آنها بیشتر با هم آشنا هستند. معمولاً هر روز همدیگر را می‌بینند، نسبت به هم تعصب داشته و در برابر دیگران از هم حمایت می‌کنند و اگر مشکلی بین آنها پیش آید از طریق ریش سفیدان، اختلافات خود را حل و فصل می‌کنند. که این باعث احساس تعلق خاطر و تعهد بین افراد روستا می‌شود. در نتیجه ترس از جرم در بین آنها کاهش می‌یابد (عزیزی، ۱۳۹۵: ۷۰) اما در جوامع ارگانیکی نسبت به نوع اول، ترس از جرم بیشتری وجود دارد. افراد در این گونه جوامع، یا با هم ارتباط ندارند یا بر اساس برخی مسائل با هم در ارتباط هستند، که تعهد زیادی برای آنها به خصوص از لحاظ عاطفی ایجاد نمی‌کند. و معمولاً بی‌اعتمادی نیز بین آنها وجود دارد. (عزیزی، ۱۳۹۵: ۷۱) این فقدان ارتباط و بی‌اعتمادی باعث می‌شود تا ساکنان نسبت به دنیای بیرون از خود ترس و واهمه نشان دهند. روابط شهری به ویژه شهرهای بزرگ نمونه‌ای از این جوامع است. زیرا در شهرها، بیشتر افراد فاقد رابطه گرم و اغلب همدیگر را نمی‌شناسند. لذا طبیعی است که در این حالت ترس از جرم افزایش می‌یابد. (همان) بنابراین دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی و عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به شمار می‌رود. چرا که احساس

تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماعشان قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است. و اگر خلاف این باشد و آنها این کنترل اجتماعی را در محل خودشان حس نکنند، باعث ایجاد ترس از جرم در آنها می‌شود. بنابراین داشتن کنترل اجتماعی آنها را از داشتن پشتیبان مطمئن کرده و محله خود را امن فرض می‌کنند، در نتیجه احساس ترس از جرم در بین آنها کاهش پیدا می‌کند.

بند سوم: دیدگاه تأثیر رسانه

رسانه از مهمترین مؤلفه‌های تأثیر گذار بر ترس از جرم است. بطوریکه یکی از موضوع‌های بنیادین جرم‌شناسی انتقادی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، قدرت رسانه‌های جمعی در برانگیختن ترس علیه جرم بود. (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۴) امروزه اهمیت و نقش روزافزون رسانه‌ها در حیات اجتماعی انسان معاصر، به حد غیر قابل انکاری رسیده است. تمامی گروه‌های اجتماعی هر یک با سودایی در پی این ابزار قدرت بخش بوده و سهم خویش را از آن طلب می‌کنند. با توجه به هزاران کتاب، مقاله، سمینار، کنفرانس و ایجاد رشته‌های گوناگون دانشگاهی در ارتباط با مطالعه جنبه‌های گوناگون تأثیرگذاری رسانه‌ها، دیگر تردیدی در تأثیر رسانه‌ها در ساخت تصویر ذهنی از واقعیت‌های اجتماعی در جامعه وجود ندارد. تصویری که همواره منطبق بر واقعیت نمی‌باشد. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان ترس از جرم در جامعه باشند. (احمدی، عربی، حکیمی نیا، ۱۳۹۲: ۱). آنها از طریق افراط در پوشش نمایشی جرم (معمولاً جرایم خشونت‌آمیز)، ترس غیر عقلانی و بی‌موردی را ایجاد می‌کنند. به این ترتیب رسانه‌ها ممکن است جغرافیای ترس ایجاد کنند و بر حضور و استفاده افراد از

القامی شوند. (به نقل از احمدی و حکیمی نیا ، وندی و ترانسو ، ۱۹۹۵). بنابراین هدف رسانه ها در جهت منافی خاص در جامعه می باشد. بدین ترتیب آنچه در ارتباط با رسانه ها سبب افزایش ترس از جرم می شود، این نکته است که معمولاً رسانه ها برداشتی غلط از الگوهای جنایت را در جامعه شیوع می دهند. اما به طور کلی می توان گفت یکی دیگر از موارد ترس از جرم در بین شهروندان، نتایج نامطلوب به تصویر کشیدن پدیده جرم توسط رسانه های جمعی است .

عوامل فردی در سه قسمت زیر قابل بررسی است :

امکان قربانی شدن (تجربه مستقیم و غیرمستقیم): برخی نظریه پردازان بر این عقیده هستند که ترس از جرم مستقیماً با احتمال قربانی شدن ارتباط دارد . از دیدگاه نظریه قربانی شدن مستقیم ، آنهایی که مستقیماً خود ، قربانی جرم می شوند و یا آنهایی که بطور غیر مستقیم از طریق شبکه های اطلاع رسانی محلات ، گفتگوهای شخصی با دوستان و آشنایان، شایعات یا رسانه های جمعی درباره جرایم و مشکلات مطلع می شوند ، از احساس امنیت کمتری برخوردارند . (حسینیخانی و همکاران ، ۱۳۹۲ : ۷۲) از آنجا که قربانی شدن مستقیم تا حدی بر ترس از جرم وجود دارد، اما دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم در تلاش است تا توضیح دهد که تجربه های غیرمستقیم قربانی شدن، ترس از جرم را گسترده تر می کند. چنانکه کسانی که در مورد جرم می شنوند یا قربانیان جرایم را می شناسند به طور غیرمستقیم قربانی شده اند. (حسونند ، ۱۳۹۱ : ۱۲۲) برخی از نظریه ها، احتمال قربانی شدن بیشتر اجتماعی زنان را مطرح می کنند و اینکه آسیب پذیری اجتماعی زنان ناشی از زندگی آنها در جامعه قشر بندی شده جنسیتی است و جامعه پذیری نقش جنسی منجر به انفعال و فرمانبرداری زنان شده است. که حتی اگر قربانی هم نشده اند

اما ترس از قربانی شدن در این قشر بیشتر به چشم می‌خورد. در مقایسه با فرضیه قربانی شدن مستقیم که ریسک واقعی قربانی شدن را عامل تعیین کننده نا امنی و ترس از جرم می‌داند، فرضیه آسیب پذیری برداشت و ادراک افراد از میزان آسیب پذیری در برابر قربانی شدن را عامل اصلی در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر آنهایی که خود را نسبت به دیگران آسیب پذیرتر می‌دانند احساس ترس از جرم بیشتری دارند. (حسینخانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲) همچنین آسیب پذیری درباره جرم سه بعد دارد: وجود ریسک، پیش بینی پیامدهای آسیب پذیری و فقدان کنترل، که هر سه منجر به تولید ترس می‌شوند. (سراج زاده، گیلانی، ۱۳۸۹: ۵) میزان زیادی از توجه به مسائل ترس از جرم مربوط به تصور افراد از میزان آسیب پذیری در احساس ترس است. تحقیقاتی وجود دارد که مشخصه هایی مانند: سن و سال، جنس، نژاد و قومیت، تحصیلات، درآمد خانواده و وضعیت تأهل را برای بررسی تأثیر آسیب جسمی و آسیب بدنی را مورد توجه قرار داده اند. (حمیدی فر، عباسی، ۱۳۹۵: ۲۰۳) بر این اساس افرادی که احساس می‌کنند می‌توانند از طریق مقاومت جسمی، اقتصادی و یا اجتماعی از خودشان محافظت کنند، سطح پایینتری از ترس از جرم در مقایسه با افرادی که فاقد ظرفیت لازم برای محافظت از خود هستند، گزارش می‌کنند.

تجربه پیشین بزه دیدگی: یکی از عواملی که نقش مهمی در افزایش احساس ترس از جرم دارد، تجربه بزه دیدگی است. در این رویکرد بزه دیدگی فرد، ملاک اصلی ترس نیست، بلکه آگاهی مستمر از حوادث جرمی، مشابهت های جنسی، سنی، موقعیتی با فرد قربانی و قرار گرفتن در شرایط مشابه به قربانیان جرایم، در افزایش ترس از جرم مؤثر می‌باشند. (به نقل از سید زاده ثانی، صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

البته بسته به اینکه افراد قبلاً بزه دیده‌ی چه جرمی بوده‌اند، میزان ترس در آنها متفاوت است. به عنوان مثال تجربه بزه دیدگی جنسی، تأثیرات منفی بسیاری بر فرد بزه‌دیده، خانواده‌ی او و جامعه به دنبال دارد و ترس از جرم به صورت خیلی جدی‌تر در این افراد و اطرافیان آنها به وجود می‌آید.

بخش دوم: رویکرد‌های مبتنی بر تجربه در ترس از جرم

شامل مواردی می‌شود از قبیل:

۱ - **تنوع قومیتی:** اقلیت دارای مصادیق بیشماری در فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف بشری است و بدون تردید واژه‌ای نام آشنا در همه جوامع هستند. اقلیت‌های قومی با گروه اکثریت متفاوت هستند، اقلیت‌ها ممکن است هم از نظر فیزیکی و هم از نظر قومی از گروه اکثریت متمایز باشند. (مدبری، ۱۳۹۶: ۵ و ۷). افرادی قومیت‌های متفاوت اگرچه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و از یک نظم اقتصادی و سیاسی برخوردار هستند اما از جهات دیگر، زبان، تاریخ، تبار و مانند اینها با یکدیگر متفاوت هستند. (به نقل از احمدی و همکاران، گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۸۷). جرایم گروه‌های قومی از پدیده‌های رایج اجتماعی است و ماهیت اجتماعی داشته و بیش از همه به نهادهای اجتماعی وابسته است. افزایش جرم نزد این گروه‌ها نه صرفاً با عوامل شخصیتی مجرم، بلکه بر پایه شرایط ساختاری، کارآمدی، ساختارها و کارکردهای نهادهای جامعه قابل تحلیل است. (محسنی، ۱۳۹۵: ۲) از مشکلات و مسائل لاینحل اقوام، عوارض دیگری نیز مترتب است. که بر اساس اهمیت و نقش‌ها می‌توان مهاجرت، حاشیه‌نشینی و معیشت بد اقتصادی، بیسوادی و غیره را نام برد که هر کدام از آنها می‌تواند علت بسیاری از نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی و جرایم، اعم از مخفی و آشکار باشد. (مدبری، ۱۳۹۶: ۱) این مسئله وقتی مهم‌تر می‌شود

که چند قوم مختلف در یک جامعه گرد هم می‌آیند و هر کدام نیز بخواهند بر آداب و رسوم خود پایبند باشند، در آن صورت ممکن است آسیب‌های بیشتری در جامعه به وجود بیاید که سبب ترس برخی از افراد از حضور در این جوامع می‌شود.

۲ - تجربه قبلی بزه‌دیدگی: بزه‌دیدگی زنان دارای عوامل مختلفی است که عمدتاً

با ساختارهای جسمانی و روانی این گروه مرتبط است. علاوه بر این، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی نیز در این رابطه نقش موثری دارند. (داوودی، ۱۳۸۸: ۲ و ۳) لذا میزان ترس از جرمی که فرد در هر کدام از ساختارهای فوق تجربه می‌کند ترکیبی است از دو عامل: درک فرد از شدت جرم و تصور وی در خصوص احتمال به زندگانی خویش. سید زاده ثانی، (۳۵۴) بزه‌دیدگی باعث می‌شود اعتماد به نفس بزه‌دیده کاهش پیدا کند و خود را در برابر جرایم آتی؛ آسیب‌پذیرتر از گذشته ببیند. این مسئله در مورد افرادی که تجربه بزه‌دیدگی داشته‌اند بیشتر به چشم می‌خورد. بنابراین سوابق قبلی بزه‌دیدگی، بسته به نوع جرم بر افراد تاثیر می‌گذارد. در این زمینه یادآوری این نکته نیز ضروری است که تأثیر بزه‌دیدگی قبلی بر ترس از جرم نسبت به افراد هم‌مختلف است. مثلاً با توجه به تجربه بزه‌دیدگی هر کدام از گروه‌های سنی در تحقیقات انجام شده، جوانان در صورت بروز بزه دیدگی، بیشتر از کهنسالان ترس از جرم را تجربه می‌کنند. (همان: ۳۴۸)، یا ترس از جرم زنان، بیشتر از مردان و کودکان، بیشتر از بزرگسالان است. همچنین افرادی که به صورت مجردي و تنها زندگانی کرده و به کار یا تحصیل مشغول‌اند، بیش از افرادی که با دیگران در یک خانه زندگانی می‌کنند ترس از جرم را تجربه می‌کنند.

۳ - مورد نسبت ناروا قرار گرفتن: سرزنش‌های اجتماعی و در معرض برچسب

قرار گرفتن از جانب جامعه و خانواده نیز که گاه متوجه بزه دیده شده و او را در ارتکاب

جرم مقصر می‌شناسند، نقش عمده‌ای در افزایش ترس وی از جرایم آتی دارد. گاه بزه دیده در مراجعه به دستگاه قضایی و سایر نهادهای اجتماعی با احساس سرخوردگی و تنهایی مواجه می‌شود که این نیز به نوبه خود ترس وی را از جرایم آتی افزایش می‌دهد. (پاک نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۸) حمایت‌های اجتماعی و مداخلات روانی نقش بسزایی در کاهش آثار بزه دیدگی و در نتیجه تقلیل ترس بزه‌دیده خواهند داشت.

۴ - ترس از ضربه جسمی و جنسی: ترس زنان بنابر تحقیقات متعددی که انجام پذیرفته، بیشتر ناشی از جرایم جنسی و فیزیکی است. که در حقیقت تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست، بلکه در عین حال حمله معنوی و حمله به شأن و حرمت انسانی است (بشیر مؤمن، ۱۳۹۶: ۱) که می‌تواند تا همیشه در فکر و ذهن او باقی بماند. البته زنان به ناگاه متوجه این ترس در وجود خود نمی‌شوند، بلکه زنان در فرآیند جامعه پذیری خویش، این ترس را فرا می‌گیرند و از آنجا که زنان در برخورد با چنین مواردی خود را ضعیف می‌دانند، لذا ممکن است این ترس همیشه همراه آنان باشد حتی اگر در معرض آن قرار نگیرند.

۵ - سن و سال: سن نیز یکی دیگر از موارد مؤثر بر ترس از جرم می‌باشد. بر اساس برخی از تحقیقات، احتمال بزه دیدگی افراد مسن بسیار کمتر از سایر گروه‌های سنی است. با وجود این، میزان ترس آنها از جرم گاه به اندازه سایر گروه‌ها و حتی در بسیاری از موارد بیشتر است. (پاک نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۷) البته این فرضیه همیشه اینگونه نبوده و تحقیقات زیادی در رابطه با سن و رابطه آن با ترس از جرم انجام شده و نتیجه برخی از این پژوهش‌ها حاکی از آن بوده که رابطه‌ای بین سن و ترس از جرم وجود ندارد. به عنوان مثال در اکتبر ۲۰۰۲ تحقیقی در انگلستان به وسیله بخشی دولتی به نام "نگرانی از سن"

انجام شده بود که جامعه ی نمونه آن ۴۰۰۰ فرد مسن بودند و این پژوهش به وسیله پرسشنامه انجام شده بود و هدفشان این بود که نگرانی آنها را درباره جرایم جویا شوند. نتایج این نظرسنجی حاکی از آن بود که با وجود اینکه یک چهارم از پاسخ دهندگان جرم را یک مشکل بزرگ یا خیلی بزرگ در منطقه شان می دانستند، اما ۹۳ درصد اعلام کرده بودند که از زندگی در محله خود لذت می برند و ترس آنها از جرایم بسیار کم است. بنابراین با توجه به جرایم مختلف ممکن است، ترس از جرم در گروه های سنی مختلف، متفاوت باشد.

بخش سوم: عکس العمل ها در برابر ترس از جرم

واکنش نسبت به ترس از جرم را میتوان در سه مقوله مورد بررسی قرار داد. گاه این واکنش ها شخصی است و افراد، خود آنها را اعمال می کنند؛ مثلاً احتیاط بیشتری به خرج می دهند. گاه این واکنش ها از طرف نیروهای حکومتی و دولتی است که می تواند به صورت تشدید کیفر باشد، یا توسط پلیس باشد که با حضور بیشتر پلیس در جامعه نمود پیدا می کند.

۱ - عکس العمل های شخصی: گاهی افراد به دلیل ترس از جرم و احساس نا امنی، نوع فعالیت های روزانه یا شیوه زندگی خود را تغییر میدهند. در این حالت افراد با جدا کردن خود از موقعیت هایی که در آن احساس خطر می کنند، احتمال بزه دیدگی خود را کاهش می دهند. مثلاً افرادی که تجربه بزه دیدگی در شب را دارند و یا اینکه آنها از اطرافیان شنیده اند، سعی می کنند از قدم زدن و بیرون رفتن در شب، در محله های جرم خیز اجتناب کنند. (عبداللهی، یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۶۱) یا اینکه با هدف کاهش آسیب

پذیری، اقدامات حفاظتی از خود را در برابر مجرمین بیشتر می‌کنند. مثلاً استفاده از گاو صندوق و نصب دوربین‌های مدار بسته.

۲ - عکس‌العمل‌های حکومتی: نهادهای مختلفی در جامعه مسئول ایجاد حفظ امنیت و نظم جامعه هستند. نهادهای سیستم عدالت کیفری یکی از این نهادها می‌باشد. اگرچه سنجش میزان ترس از جرم و احساس ناامنی مردم کار دشواری است، اما با توجه به افزایش میزان بزه‌دیدگی واقعی و استفاده گسترده مردم از تدابیر امنیت خصوصی، می‌توان احساس ناامنی مردم نسبت به وقوع جرایم را تخمین زد و زمینه‌های لازم را جهت رویکرد مدیریت خطر جرم فراهم آورد. (عبداللهی، یوسفی، ۱۳۹: ۱۶۴) مثلاً تشدید کیفر توسط دستگاه‌های کیفری، یکی از مواردی است که در خصوص احساس ناامنی و ترس از جرم می‌تواند موثر باشد.

۳ - عکس‌العمل‌های پلیسی: جرم و ناامنی از مهمترین تهدیدات بشر ساخته به شمار می‌رود، که وظیفه اصلی پلیس در جامعه مقابله و مبارزه با این دسته از تهدیدات است. اما در برابر این ناامنی‌ها و سایر تهدیدات دو پاسخ متفاوت وجود دارد. راهکار اول، واکنش و سرکوبی و راهکار دوم پیشگیری است. اما تجربیات متعدد بشری و آمارها و مستندات موجود، بالاتر بودن اثربخشی پیشگیری را در مقایسه با سرکوبی نشان می‌دهد. (محمد نسل، ۱۳۹۲: ۳۷۰) پلیس همچنین می‌تواند در آگاه‌سازی عمومی و تبلیغات رسانه‌ای به منظور تغییر گرایش‌ها و رفتارها در مورد جرم و خشونت، شرکت نموده و برای جلوگیری از بزهکاری بر علیه نوجوانان، جوانان، زنان، اقلیت‌های فرهنگی و افراد ناتوان جلوگیری کند. (محمد نسل، ۱۳۹۲: ۳۸۰) در این مورد، پلیس با تعاملی که با خود افراد جامعه برقرار می‌کند، می‌تواند موفقیت بیشتری را بدست بیاورد. زیرا هرچه

رضایتمندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد، ترس شهروندان از جرم کاهش می‌یابد. بدین ترتیب وجود پلیس جامعه محور با هدف کاهش جرم و بی‌نظمی، موجبات تخفیف مشکلات و بروز رفتارهای مناسب در جامعه را فراهم آورده و بالطبع بر کاهش ترس از جرم تاثیر می‌گذارد. (عبداللهی، یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۶۴) بنابراین پلیس به عنوان یک نیروی مردمی و در میان مردم، با ارائه راهکارهای مناسب می‌تواند زمینه کاهش ترس از جرم در بین جوامع را به وجود بیاورد.

بخش چهارم: راهبردهای رویارویی با ترس از جرم در میان زنان

استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با ترس از جرم وجود دارد که در زیر به سه مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱ - تغییرات بنیادی - فرهنگی: فقر و نداری، بیکاری، عدم امنیت شغلی، حضور هنجارهای سنتی در کنار هنجارها و ارزش‌های جدید و مدرن، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی، کاهش تنزیل‌های اجتماعی، کاهش کنترل‌های اجتماعی، انتظارات و توقعات بیش از حد توان، باعث شکل‌گیری تعارضات فرهنگی گردیده است که خود این عوامل منجر به سوق دادن و کشش فرد به سمت ناهنجاریها، جرایم و انحرافات اجتماعی شده است. (محسنی تبریزی، سلیمانی، ۱۳۸۹: ۳) با توجه به گستردگی موضوع، اهمیت پررنگ بودن نقش رویکردهای جامعه‌شناختی در تبیین جرم، کانون توجه را باید به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که بیشترین فشار را به برخی از خانواده‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی وارد می‌سازد معطوف کنیم.

۲ - تغییرات فردی: بسیاری از زنان برای مقابله با ترس از جرم به راهکارها و استراتژی‌های فردی روی می‌آورند و اینگونه استراتژی‌ها معمولاً در قالب پوشش مناسب

و متانت رفتاری تعریف می‌شود. استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و اجتناب از حضور در فضاهای عمومی در ساعاتی خاص یا در مکان‌های خاص. (داوودی، ۱۳۸۸: ۳) البته عده کمی از زنان نیز از وسایلی نظیر چاقو و یا اسپری نیز برای حفاظت خویش استفاده می‌کنند.

۳ - تغییر وضع موجود: در این زمینه باید نگرش‌های موجود به زنان، تغییر داده شود. راهکارهای معقول و سنجیده مرتبط با مسئله در طرح یک سیاست جنایی شایسته، ملحوظ نظر قرار گیرد و بر مسئله آموزش و تعلیم و تربیت دختران، به عنوان یک امر بنیادی تکیه شود و به موازات آن، سایر ساختارها نیز اصلاح و تعدیل شوند. همچنین ضعف حمایتی قوانین نیز برطرف شود. (داوودی، ۱۳۸۸: ۱۸) در چنین صورتی میتوان به داشتن جامعه‌ای سالم و ایمن امید بست و با به وجود آمدن شرایط مناسب‌تر برای زنان، قطعاً ترس از جرم در بین آنان در جامعه‌ای مطمئن کاهش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

احساس امنیت یک پدیده اجتماعی مهم در ایجاد آرامش افراد می‌باشد. احساس ترس از جرم، برای زنان یک امر ناگهانی نیست، بلکه بر اساس اجتماعی شدن با این مسئله آشنا می‌شوند و به این باور می‌رسند که نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند. و خانواده‌ها و گروه‌های همسالان و وسایل و رسانه‌های ارتباط گروهی نیز دائماً بر این ترس تأکید می‌نمایند. بنابراین می‌توان گفت که یکی از متغیرهایی که در پیش‌بینی ترس، بطور ملموس خود را آشکار می‌سازد، جنسیت است. طی بررسی‌هایی که انجام شد، در برخی از محله‌ها، زنان می‌توانند در معرض انواع آسیب‌ها قرار بگیرند، که این باعث ایجاد ترس در آنها می‌شود. همچنین وجود خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های معارض هم باعث ایجاد و

حتی افزایش ترس از جرم خواهد شد. زیرا باعث کاهش انسجام اجتماعی و بوجود آمدن بی‌نظمی‌هایی در سطح جامعه می‌شود. براساس مصاحبه‌هایی که انجام شد، زنان از مکانهای خلوت، تاریک، محله‌هایی غیر از محله خود، تردد در ساعات غیر معمول و عواملی از این دست می‌ترسند. قسمت دیگری از یافته‌های این پژوهش مربوط به زنان مطلقه و بیوه بود، که طبق اظهاراتشان، برخی از آنها، از تنهایی و تردد در برخی از مناطق سطح شهر، حتی در برخی موارد از محله‌های خود نیز احساس ترس می‌کنند. همچنین نداشتن آگاهی، نابرابریهای جنسیتی و حاشیه‌ای بودن نیز نمود دیگری از مناسبات جنسیتی است که باید بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد. ترس از جرم، پدیده‌ای واقعی است که زندگی شهروندان را متأثر می‌سازد. وجود درجاتی از ترس در جامعه طبیعی و حتی مفید بوده اما مشکل اصلی زمانی می‌تواند بوجود بیاید که ترس بصورت افراطی از جرم در جامعه وجود داشته باشد. که در اینصورت انتظار مردم نیز از مقابله با این نوع جرمها و مجرمانش متفاوت خواهد بود و انتظار برخوردهای سرکوبگرانه دارند. که این باعث بوجود آمدن سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه می‌شود. در حالیکه امروزه ثابت شده است که کیفر، قابلیت‌های محدودی در کنترل جرم و پیشگیری از آن دارد.

از آنجا که ترس از جرم، یک احساس درونی است که در ضمیر تک‌تک شهروندان پنهان است، کاهش آن نیز جز با مشارکت فعال خود جامعه امکان‌پذیر نیست. ضروری است آموزشهای لازم در خصوص برنامه‌های پیشگیرانه به شهروندان داده شده و از قابلیت‌های جامعه محلی به ویژه در قالب سازمانهای مردم‌نهاد جهت کنترل بزهکاری استفاده کرد. یافته‌های حاصل از این مطالعه بر لزوم انجام مطالعات بیشتر در خصوص احساس امنیت و مکانیسم‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیری بر آن تأکید دارد. اینکه مردم بیشتر از چه نوع جرائمی، احساس ترس می‌کنند و شروع این جرائم در جامعه یا اجتماع خاصی به چه

مقدار بوده و با چه روش‌هایی می‌توان آنها را کاهش داد؟ آیا نیازی به تغییر فرهنگ و ساختار در جامعه وجود دارد؟ و اینکه چه راهکارهایی بیشتر در جامعه می‌تواند تأثیرگذار باشد؟

بعضی مواقع نیز ممکن است مواردی پیش آید که ترس از جرم در جامعه بیشتر شود. که پیامد سیاست‌ها و فعالیت‌های نادرست رسانه‌ای است و موجب عوام‌گرایی کیفری می‌شود. به نقل از شکوری اصل، ترس از جرم و جنایت باعث می‌شود آنها که می‌توانند از طریق مناطق مستعد جرم و جنایت دور شوند و آنها که نمی‌توانند، به خانه‌های خود عقب نشینی کنند. در نتیجه کنترلی که خودِ جامعه می‌تواند بر روی اعمال ضد اجتماعی یا خرده‌جنایی داشته باشد کاهش می‌یابد. بنابراین با تدوین برنامه‌هایی باید سعی در کاهش ترس افراطی از جرم در بین شهروندان بخصوص زنان داشته باشیم. بنابراین باید با توسل به راه‌حل‌های ساده انگارانه، سعی در داشتن یک سیاست جنائی متعادل و متوازن داشته باشیم، که بدون آنکه امنیت گرا باشد به شهروندان بخصوص زنان، حس امنیت بدهد.

پیشنهادهای

بر پایه یافته‌های پژوهش، موارد زیر در زمینه کاهش ترس از جرم پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه جامعه مورد مطالعه، خود، در جامعه زندگی می‌کنند و با مشکلات بطور مستقیم در ارتباط هستند، لذا باید از یک برنامه‌پیشگیری مؤثر و کارآمد استفاده نمائیم و در این راه از تمامی ظرفیت‌های جامعه مدنی بخصوص افراد مورد مطالعه (زنان) کمک بگیریم.

۲- شناسایی مناطق پرخطر، و ایجاد گشت‌های منظم پلیس در این مناطق. همچنین ایجاد تعامل بین پلیس و مردم جهت بوجود آمدن احساس اعتماد متقابل.

۳- از آنجا که بیشتر زنان مورد مطالعه ، اخبار مربوط به حوادث جرم و جنایت را از طریق رسانه دریافت می کنند ، لذا برنامه های مورد نظر آموزشی و فرهنگی بهتر است با تأکید بر رسانه های جمعی به سمع و نظر آنها برسد .

۴- افزایش حمایت های سازمانهای مربوط با بزه دیدگان

۵- نظارت و کنترل بر ارائه گزارشات آشوب برانگیز رسانه های ارتباط جمعی ، بخصوص شبکه های اجتماعی که تأثیر مستقیم بر ترس از جرم در بین زنان دارد .

۶- از آنجا که توانایی جسمی باعث ایجاد اعتماد به نفس بخصوص در زنان می شود ، لذا توصیه می شود زنان ، به ویژه دختران جوان جهت بالا بردن توانایی های جسمی و اعتماد به نفس خود ، در کلاس های ورزشی ، خصوصا کلاس های رزمی و دفاع شخصی تشویق شوند .

منابع و مآخذ

- ۱ احمدی، حبیب، سروش، مریم، افراسیابی، حسین، (۱۳۸۸)، ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۸۰-۶۵
- ۲ بنی فاطمه، حسین، عباس زاده، محمد، فاطمی، داود (۱۳۹۱)، بی سازمانی اجتماعی و بزهکاری نوجوانان پسر شهر زنجان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۱، صص ۳۶-۱۳
- ۳ پاک نهاد، امیر، (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از جرم، آموزه های حقوق کیفری، پژوهشهای دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵، صص ۱۸۰-۱۵۵
- ۴ خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، نشر بازتاب، ۱۳۹۰
- ۵ دادخدایی، لیلا، (۱۳۸۹)، دستاورد جنبش بازگشت به کیفر در آمریکا، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب تهران
- ۶ داودی، هما (۱۳۸۸)، بزه دیده شناسی زنان و زمینه های مؤثر در کاهش جرائم.
- ۷ سیف نراقی، مریم، نادری، عزت الله، روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، نشر ارسباران، ۱۳۹۱
- ۸ شاگری، فرشته، (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل جامعه شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در فضاهای عمومی (مطالعه ای در میان زنان ساکن تهران) پایان نامه کارشناس ارشد (جامعه شناسی)، صص ۲۰-۱
- ۹ شکوری اصل، شیده (۱۳۹۵)، ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی : محله های مخصوص و سلامت)، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۰۸-۸۵

۲۷ علی محسنی، رضا (۱۳۹۴)، تبیین رابطه بین قومیت و جرم: (یک پژوهش میدانی در بستر جغرافیایی)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، چشم انداز زاگرس، دوره هشتم، شماره ۲۷، صص ۲۸-۱

۲۸ فاخری، صباح الدین، (۱۳۹۳)، ترس از جرم زنان در فضاهای شهری، شناخت عوامل، تأثیرات و راهکارها، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، صص ۱-۱۰

۲۹ فسائی، سهیلا، میرحسینی، زهرا، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره نهم، شماره ۱، صص ۶۲-۳۵

۳۰ فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، خرده فرهنگ‌های اقلیتی و سبک زندگی، روندها و چشم اندازها، فصلنامه تحقیقات فرهنگ، سال اول، شماره ۱، صص ۱۷۴-۱۴۳

۳۱ قاضی نژاد، مریم، فرشته، شاکری (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل جامعه شناسی ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص ۲۰۲-۱۸۱

۳۲ مدبری، محمدنادر (۱۳۹۰)، علل گرایش اقلیت‌های قومی و مذهبی به ارتکاب جرم در ایران با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی

۳۳ محسنی، رضا علی (۱۳۹۴)، تبیین رابطه بین قومیت و جرم: یک پژوهش میدانی در بستر جغرافیایی

۳۴ محسنی تبریزی، علیرضا، سلیمانی، مهدی (۱۳۸۹)، تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان جرم (مطالعه موردی: استان لرستان)

۳۵ نوربها، رضا، (۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین

- Baur, J. (2007) "*Fear of crime: the impact of age, victimization, perceived vulnerability to victimization and neighborhood characteristics*". Available from:
 - http://www.acpr.gov.au/pdf/ACPR_I6.pdf
 - Callanan ; J. Valeria and Brent Teasdal (2009), " An exploration of gender differences in measure ment of fear crime " ; Femenist criminology ; Vol. 4 ; No. 4;pp : 359 – 374
 - deason ; Hannah ; (2005), Critical an analysist of fear of crime on college composes, Master of Artz dissertation, ar lington : The University of Texas, pp : 121 – 135
- Gibson, C. L., Zhao, J., Lovrich, N. P., & Gaffney, M. J. (2002) "Social integration, individual perceptions of collective efficacy, and fear of crime". *Justice Quarterly*
- Hinkle, J. C. (2005) "*The impact of disorder on fear of crime: A test of first link of broken windows*". Department of Criminology and Criminal Justice. Maryland University.
- - Jana Than Jackson and maistafford,public Heath and fear of crim,Advance Access publication,2009
- LaGrang, R. L., & Rerraro, K. F. (1989) "Assessing age and gender: Differences in perceived risk and fear of crime", *Criminology*, 27.
- Lagrange, R. L., Ferraro K. F., & Supancic, M. (1992) "Perceived risk and fear of crime: Role of social and physical incivilities". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 29, 3.
- Little, Jo, Ruth Panelli and Anna Kraack, (2005), " Women's, Fear of Crime : Arural perspective ", journal of rural studies, No, 21, pp : 151 – 163

- - Mc Ardle, Andrea , Erzan, Tanya (2001) " Turnstile Jumpers and Broken windows : police Brutality in New York City, Zero Tolerance, Quality of life and the New Police Brutality in New York City, 5 : 19 – 49
- Rountree, P., Land, K. (1996). Burglary victimization perceptions of crime risk, and Census tracts. Journal of Research in crime and Delinquency, 180-147, 33.